علی (ع) از نگاه دیگران

خواستيم اميرالمؤمنين را از زبان دوستان بگوييم. گفتيم شايد بگويند...
خواستيم او را از زبان دشمنانش وصف كنيم، ديديم بارها اعتراف كرده‏اند.
خواستيم على(ع) را از نگاه ديگران بگوييم.
على(ع) را نمى‏توان در اين آينه‏ هاى كوچك ديد. شايد آينه ‏ها را كه كنار هم بگذاريم گوشه‏اى از بزرگى على(ع) را بنماياند.

1. پيامبر اكرم(ص) فرموده است: «اى على؛ جز خدا و من، كس ديگر تو را نشناخت.»
2. عايشه گويد: «پدرم، ابوبكر را ديدم كه بسيار به چهره‏ على بن ابي طالب(ع) نگاه مى‏كند. گفتم: «اى پدر! چرا تو زياد به چهره‏ على نگاه مى‏كنى؟» گفت: «دخترم! از رسول خدا شنيدم كه مى‏فرمود: نظر كردن به چهره‏ على عبادت است.»
3. عمر از رسول خدا روايت كرد كه: «اگر مردم بر دوستى على بن ابى‏طالب(ع) اتفاق و اجتماع مى‏كردند، خدا آتش را خلق نمى‏كرد.»
4. معاويه ابن ابى‏سفيان با آن همه دشمنى آشكار با آن حضرت، بيان داشته: «علم و فقاهت با مرگ على(ع) از ميان رفت.»
5. جرج جرداق(1) : «اى جهان! چه مى‏شد اگر هر چه قدرت و قوه دارى به كار مى‏بردى و در هر زمان عليى با آن عقلش، با آن قلبش، با آن زبانش و با آن ذوالفقارش، به عالم مى‏بخشيدى؟!»
6. جبران خليل جبران(2): «عرب، حقيقت مقام و قدرش [على(ع)] را نشناخت؛ تا آن كه از همسايگان عرب مردمى از پارس به پا خاستند و فرق ميان گوهر و سنگريزه را شناختند.»

پى‏نوشت:

1. نويسنده‏ مسيحى لبنانى؛ مؤلف كتاب «امام على(ع)، صداى عدالت انسانى.»
2. نويسنده و شاعر شهير لبنانى